

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

ریخت‌شناسی داستان‌های صوفیانه در تذکرةالا ولیاء

استاد راهنما:

دکتر حاجی آقا بابایی

استاد مشاور:

دکتر تمیم‌داری

گردآورنده:

مرضیه دمرچلو

تیرماه ۱۳۹۰

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: ریخت شناسی داستان های صوفیانه در تذکرةالا ولیاء	
نویسنده / محقق: مرضیه دمرچلو	
مترجم: -	
استاد راهنما: دکتر حاجی آقابابایی	استاد مشاور / استاد داور: دکتر تمیم داری / دکتر بشیری
کتابنامه: دارد	واژه نامه: ندارد
نوع پایان نامه: بنیادی <input checked="" type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/>	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۹۰-۸۹
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی
دانشکده: ادبیات فارسی و زبان های خارجی	
تعداد صفحات: ۲۰۷	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی
کلید واژه ها به زبان فارسی: ریخت شناسی، پراپ، حکایت، تذکرةالاولیا، نقش ویژه	
کلید واژه ها به زبان انگلیسی: Morphology, Vladimir Prop, Anecdote, Tazkaratol Oliya, Function	

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

موضوع این پژوهش بررسی ریخت‌شناسانه‌ی داستان‌های تذکرة‌الاولیا بر پایه‌ی نظریه‌ی پراپ است. شناخت الگوی روایی حاکم بر این حکایت‌های عارفانه اهمیت زیادی دارد.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها:

در این پژوهش سعی شده تا به پرسش‌هایی از قبیل موارد زیر پاسخ داده شود.

- داستان‌های تذکرة‌الاولیا از نظر ریخت‌شناسی چه ویژگی‌هایی دارند؟
- سازه‌های بنیادی این داستان‌ها چه ارتباطی با هم دارند؟
- این داستان‌ها از چه الگوی روایی پیروی می‌کنند؟

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روش‌های

نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

در این پژوهش ۱۰۰ حکایت از داستان‌های تذکرة‌الاولیا مورد بررسی ریخت‌شناسانه قرار گرفته است و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است.

ت. یافته‌های تحقیق:

در این پژوهش الگوها و ساختار کلی حاکم بر حکایت‌های تذکرة‌الاولیا به دست آمد.

ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

ساختار حکایت‌های تذکرة‌الاولیا از نقش ویژه‌های محدود اما متنوعی تشکیل شده است.

این حکایت‌ها از الگوهای یکسانی در ساختار خود پیروی می‌کنند.

شناخت ساختار آثار ادبی راه را برای مطالعات بعدی یک اثر هموار می‌سازد و به جهت اهمیت زیادی که آثار عرفانی در ادبیات ما دارند، بررسی‌های نوین با نگاه‌هایی جدید و امروزی زوایای جدیدی از این آثار گرانقدر را روشن می‌سازد و لزوم این بررسی‌ها را معلوم می‌کند.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نماییم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

تعهدنامه

اینجانب مرضیه دمرچلو دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی اظهار می‌دارم: در نگارش پایان‌نامه خود با عنوان **ریخت‌شناسی داستان‌های صوفیانه در تذکرةالاولیا** امانت را رعایت کرده‌ام و نظریات مطرح شده در این پایان‌نامه متعلق به من است و در کلیه مواردی که به نحوی از دیدگاه‌های دیگران استفاده کرده‌ام، منبع یا منابع هر یک را به دقت و روشنی ذکر کرده‌ام. چنانچه پس از تسلیم این پایان‌نامه برای دفاع و یا حتی پس از فراغت از تحصیل معلوم شود اصل امانت‌داری و حقوق معنوی پژوهشگران و استادان را رعایت نکرده‌ام پایان‌نامه‌ام اصالت علمی - پژوهشی خود را از دست خواهد داد و حقوق مترتب بر آن، زایل خواهد شد. بنابراین دانشگاه می‌تواند اعتبار مدرک تحصیلی اینجانب را باطل کند.

نام و نام خانوادگی دانشجو

مرضیه دمرچلو

امضاء و تاریخ

تقدیم به

صبوری‌های همسر و پسر

چکیده

ریخت‌شناسی اصطلاحی است که اول بار ولادیمیر پراپ برای بررسی ساختار قصه‌های پریان به کار برد. به گفته او «ریخت‌شناسی یعنی توصیف قصه‌ها بر پایه اجزای سازنده‌ی آنها و همبستگی این سازه‌ها با یکدیگر و با کل قصه» (پراپ، ۱۳۸۶، ص ۴۹). پراپ ساختار قصه‌های پریان را مورد بررسی قرار داد و برای رسیدن به ساختار کلی و الگوی حاکم بر این قصه‌ها عناصر ثابت و تکرار شونده‌ی آنها را به دست آورد و این عناصر را نقش ویژه نامید.

تذکره‌الاولیا از متون کهن عرفانی است که با هدف بیان کرامت و تعظیم بزرگان صوفیه و عارفان نامی، به دست فریدالدین عطار نیشابوری در قرن هفتم به رشته‌ی تحریر در آمده است و با توجه به این که ژانر **Hagiology** یا همان تاریخ قدیسین و اولیا در ادبیات ما اهمیت به‌سزایی دارد، با نظریه‌ی ریخت‌شناسانه‌ی پراپ به بررسی وجود و یا عدم وجود ساختار روایی کلی و ثابت در صد حکایت از حکایت‌های تذکره‌الاولیا پرداختیم.

این بررسی نشان داد که الگوی روایی و حرکتی حکایت‌های تذکره به صورت $A \rightarrow B \rightarrow C \rightarrow D \rightarrow E \rightarrow F \rightarrow X$ است و بر اساس این الگو این نتیجه به دست آمد که نقش ویژه‌های حکایات تذکره‌الاولیا، محدود اما متنوع و گوناگون هستند.

کلیدواژه‌ها: ریخت‌شناسی، ولادیمیر پراپ، حکایت، تذکره‌الاولیا، نقش ویژه

فهرست مطالب

پیشینه‌ی کار	۱
ضرورت کار	۱
درباره عطار	۱
درباره‌ی کتاب تذکرةالاولیا	۳
مآخذ تذکرةالاولیا	۳

فصل اول: کلیات و تعاریف

کلیات	۶
۱-۱ داستان	۶
۱-۲ قصه	۷
۱-۳ حکایت	۸
۱-۴ تاریخ اولیا با مقدسان	۹
۱-۴-۱ فرم حکایت‌های تذکرةالاولیا	۹
۱-۵ روایت (Narration)	۱۰
۱-۶ ریخت‌شناسی (Morphology)	۱۱
۱-۷ نقش ویژه (Function)	۱۱
۱-۸ روایت‌شناسی (Narratology)	۱۲
۱-۹ حرکت (Move)	۱۲

فصل دوم: نظریه‌های روایت

۲-۱ نظریه‌ی ژنت	۱۵
۲-۲ نظریه‌ی گرماس	۱۶
۲-۳ نظریه‌ی تودوروف	۱۷
۲-۴ نظریه‌ی کلود برمون	۱۷
۲-۵ نظریه‌ی رولان بارت	۱۸
۲-۶ نظریه‌ی پراب	۱۹

فصل سوم: نقش ویژه‌های حکایت‌های تذکرةالاولیا

۳-۱-۳ شرارت (A) یا کمبود (a)	۲۵
۳-۲-۳ رویداد ربط دهنده (B)	۳۰
۳-۳-۳ درخواست یا پرسش (C)	۳۳

۳-۴- کرامت یا امر شگفت (D)	۳۴
۳-۵- آشکار شدن حقیقت (E)	۳۶
۳-۶- نقش ویژه نهایی (F)	۳۷
۳-۷- نقش ویژه نصیحت گری (X)	۳۹
بررسی انواع حرکت در حکایت‌های تذکره‌الاولیا:	۴۱
شخصیت‌ها در حکایت‌های تذکره‌الاولیا	۴۷

فصل چهارم: حکایت‌ها، حرکت‌ها و نقش ویژه‌ها

حکایت اول	۵۰
حکایت دوم	۵۲
حکایت سوم	۵۴
حکایت چهارم	۵۵
حکایت پنجم	۵۶
حکایت ششم	۵۷
حکایت هفتم	۵۹
حکایت هشتم	۶۱
حکایت نهم	۶۲
حکایت دهم	۶۴
حکایت یازدهم	۶۶
حکایت دوازدهم	۶۷
حکایت سیزدهم	۶۹
حکایت چهاردهم	۷۰
حکایت پانزدهم	۷۱
حکایت شانزدهم	۷۳
حکایت هفدهم	۷۴
حکایت هجدهم	۷۵
حکایت نوزدهم	۷۷
حکایت بیستم	۷۹
حکایت بیست و یکم	۸۰
حکایت بیست و دوم	۸۲
حکایت بیست و سوم	۸۴
حکایت بیست و چهارم	۸۵
حکایت بیست و پنجم	۸۶
حکایت بیست و ششم	۸۷

۸۹.....	حکایت بیست و هفتم.....
۹۰.....	حکایت بیست و هشتم.....
۹۱.....	حکایت بیست و نهم.....
۹۳.....	حکایت سی ام.....
۹۴.....	حکایت سی و یکم.....
۹۶.....	حکایت سی و دوم.....
۹۹.....	حکایت سی و سوم.....
۱۰۰.....	حکایت سی و چهارم.....
۱۰۱.....	حکایت سی و پنجم.....
۱۰۲.....	حکایت سی و ششم.....
۱۰۴.....	حکایت سی و هفتم.....
۱۰۵.....	حکایت سی و هشتم.....
۱۰۷.....	حکایت سی و نهم.....
۱۰۹.....	حکایت چهلم.....
۱۱۰.....	حکایت چهل و یکم.....
۱۱۱.....	حکایت چهل و دوم.....
۱۱۲.....	حکایت چهل و سوم.....
۱۱۳.....	حکایت چهل و چهارم.....
۱۱۴.....	حکایت چهل و پنجم.....
۱۱۵.....	حکایت چهل و ششم.....
۱۱۶.....	حکایت چهل و هفتم.....
۱۱۷.....	حکایت چهل و هشتم.....
۱۱۸.....	حکایت چهل و نهم.....
۱۱۹.....	حکایت پنجاهم.....
۱۲۱.....	حکایت پنجاه و یکم.....
۱۲۲.....	حکایت پنجاه و دوم.....
۱۲۳.....	حکایت پنجاه و سوم.....
۱۲۵.....	حکایت پنجاه و چهارم.....
۱۲۶.....	حکایت پنجاه و پنجم.....
۱۲۷.....	حکایت پنجاه و ششم.....
۱۲۹.....	حکایت پنجاه و هفتم.....
۱۳۱.....	حکایت پنجاه و هشتم.....
۱۳۲.....	حکایت پنجاه و نهم.....
۱۳۴.....	حکایت شصتم.....

۱۳۵.....	حکایت شصت و یکم.....
۱۳۶.....	حکایت شصت و دوم.....
۱۳۸.....	حکایت شصت و سوم.....
۱۳۹.....	حکایت شصت و چهارم.....
۱۴۰.....	حکایت شصت و پنجم.....
۱۴۲.....	حکایت شصت و ششم.....
۱۴۳.....	حکایت شصت و هفتم.....
۱۴۵.....	حکایت شصت و هشتم.....
۱۴۶.....	حکایت شصت و نهم.....
۱۴۸.....	حکایت هفتاد.....
۱۴۹.....	حکایت هفتاد و یکم.....
۱۵۰.....	حکایت هفتاد و دوم.....
۱۵۱.....	حکایت هفتاد و سوم.....
۱۵۳.....	حکایت هفتاد و چهارم.....
۱۵۴.....	حکایت هفتاد و پنجم.....
۱۵۵.....	حکایت هفتاد و ششم.....
۱۵۷.....	حکایت هفتاد و هفتم.....
۱۵۹.....	حکایت هفتاد و هشتم.....
۱۶۱.....	حکایت هفتاد و نهم.....
۱۶۲.....	حکایت هشتادم.....
۱۶۴.....	حکایت هشتاد و یکم.....
۱۶۵.....	حکایت هشتاد و دوم.....
۱۶۶.....	حکایت هشتاد و سوم.....
۱۶۸.....	حکایت هشتاد و چهارم.....
۱۶۹.....	حکایت هشتاد و پنجم.....
۱۷۱.....	حکایت هشتاد و ششم.....
۱۷۲.....	حکایت هشتاد و هفتم.....
۱۷۳.....	حکایت هشتاد و هشتم.....
۱۷۵.....	حکایت هشتاد و نهم.....
۱۷۶.....	حکایت نودم.....
۱۷۷.....	حکایت نود و یکم.....
۱۷۸.....	حکایت نود و دوم.....
۱۷۹.....	حکایت نود و سوم.....
۱۸۰.....	حکایت نود و چهارم.....

۱۸۱.....	حکایت نود و پنجم.....
۱۸۳.....	حکایت نود و ششم.....
۱۸۴.....	حکایت نود و هفتم.....
۱۸۶.....	حکایت نود و هشتم.....
۱۸۸.....	حکایت نود و نهم.....
۱۸۹.....	حکایت صدم.....
۱۹۱.....	فهرست نشانه‌های قراردادی.....
۲۰۴.....	نتایج بررسی.....
۲۰۶.....	منابع و مآخذ.....

فهرست جدول‌ها

- جدول شماره ۱- الگوی ریخت‌شناسی حکایت‌های تذکرة‌الاولیاء ۱۹۴
- جدول شماره ۲- بسامد نقش ویژه‌ها ۱۹۹

فهرست نمودارها

- نمودار شماره ۱: نمودار روایت حکایت‌ها ۲۰۰
- نمودار شماره ۲: نمودار آغاز حکایت‌ها ۲۰۰
- نمودار شماره ۳: نمودار پایان حکایت‌ها ۲۰۱
- نمودار شماره ۴: نمودار شرارت و کمبود ۲۰۱
- نمودار شماره ۵: نمودار رویداد ربط دهنده ۲۰۲
- نمودار شماره ۶: نمودار نقش ویژه نهایی ۲۰۲
- نمودار شماره ۷: کرامت: اثر شگفت ۲۰۳

پیشینه کار

بررسی داستان‌های عارفانه‌ی تذکره‌الاولیا از منظر ریخت‌شناسی به صورت مستقل، برای اولین بار در این رساله انجام شده است اما از پژوهش‌های دیگری که در زمینه ریخت‌شناسی صورت گرفته است می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

- تحلیل ساختارهای حکایت‌های اسرار التوحید، حسن رضایی، به راهنمایی مهدی شریفیان. رساله کارشناسی ارشد، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۸۴
- مقایسه‌ی تحلیلی حکایت‌های کشف المحجوب و تذکره‌الاولیا، سیده زیبا بهروز؛ به راهنمایی اسماعیل قافله باشی. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین: ۱۳۸۴.

ضرورت کار

تذکره‌الاولیاء یکی از آثار ارزشمند ادبی و عرفانی است که با وجود آن که بارها و از منظرهای مختلف مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، هنوز قابلیت زیادی برای بررسی‌های نوین و امروزی دارد. حکایت‌های عرفانی آن به عنوان نوع ادبی خاص، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است و رویکرد ریخت‌شناسانه می‌تواند ویژگی‌های تازه‌ای را از این حکایت‌ها و این اثر ارزشمند روشن گرداند.

درباره عطار

تذکره نویسان نام و لقب شیخ فریدالدین عطار را که مسلماً از پیشوایان بزرگ عرفان و از صوفیان مشهور قرن ششم و هفتم هجری است به این صورت نقل کرده‌اند: شیخ ابی حامد محمدبن ابی‌بکر ابراهیم مشهور به فریدالدین عطار نیشابوری، مولد او را نیشابور می‌دانند ولی در تاریخ تولدش اختلاف دارند و تولد او را از ششم شعبان سال ۵۳۰ تا ۵۳۷ نقل کرده‌اند. در مدت حیات و تاریخ فوت او نیز مورخین و تذکره نویسان عمر او را به صد و بیست و اند سال رسانیده‌اند به همین جهت سال فوت او را بین سال‌های ۵۸۹ تا ۶۲۷ ذکر کرده‌اند (گوهرین، ۱۳۵۵، ص ۱۲).

از ابتدای کار او اطلاعاتی در دست نیست جز آن که نوشته‌اند پدر وی در شادیاخ عطاری عظیم‌القدر بود و بعد از وفات او فریدالدین کار پدر را دنبال کرد و دکانی آراسته داشت. مسلماً عطار در آغاز حیات و گویا تا مدتی از دوره‌ی تحقیق در مقامات عرفانی، شغل داروفروشی خود را حفظ کرده و سرگرم طبابت بوده است.

افسانه‌ی معروفی هم درباره‌ی انقلاب حال عطار موجود است که ساختگی به نظر می‌آید و مسلماً انقلاب حال عطار در همان اوان که از راه پزشکی به خدمت خلق سرگرم بود، دست داد و او که سرمایه‌ی کثیر از ادب و شعر اندوخته بود، اندیشه‌های عرفانی خود را به نظم روان و دل‌انگیز می‌آورد.

جامی، یعنی قدیم‌ترین کسی از متصوفه که به زندگی عطار اشاره کرده او را از مریدان شیخ مجدالدین بغدادی از تربیت یافتگان شیخ نجم‌الدین کبری شمرده است. اگرچه عطار در ابتدای تذکرةالاولیا به رابطه‌ی خود با مجدالدین بغدادی اشاره کرده است لیکن بر این که از تربیت یافتگان وی باشد تصریحی نیست. به هر حال عطار قسمتی از عمر خود را به رسم سالکان طریقت در سفر گذراند و از مکه تا ماوراءالنهر بسیاری از مشایخ را زیارت کرد و در همین سفرها به خدمت مجدالدین بغدادی نیز رسید (صفا، ۱۳۸۴، ص ۳۲۲-۳۲۱).

حکایتی هست در مورد این که مولانا در سال‌های نوجوانی و به هنگام مهاجرات از خراسان، در نیشابور عطار را دیده و عطار او را نوجوانی هشیار سر یافته، نسخه‌ای از اسرارنامه‌ی خود را به او هدیه داده و به بهاء‌الدین ولد گفته که جلال‌الدین به زودی «آتش در سوختگان عالم خواهد زد». این روایت را در تذکرةالاولیا دولت‌شاه سمرقندی و نفحات الانس جامی می‌توان دید (فروزانفر، ۱۳۵۲، ص ۶۹).

آرامگاه عطار در محله‌ی شادیاخ است و بنای آرامگاه وی از آثار روزگار امیرعلیشیر نوایی است. از عطار آثاری به نظم و نثر باقی مانده است. آثار نظم او شامل: اسرارنامه، الهی‌نامه، مختارنامه، مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر و دیوان قصاید و غزلیات است و اثر منظوم او تذکرةالاولیا می‌باشد. اسرارنامه با ویرایش و حواشی دکتر سیدصادق گوهرین انتشار یافته است. الهی‌نامه را اول بار هلموت ریتز در استانبول چاپ کرد و پس از او فؤاد روحانی تصحیح دیگری از آن عرضه کرد.

مختارنامه که مجموعه رباعی‌های عطار است را دکتر شفیع کدکنی انتشار داده است. مصیبت‌نامه را دکتر نورانی وصال تصحیح و چاپ نموده است. از منطق‌الطیر دو نشر با تحلیل و حواشی موجود است یکی از دکتر سید صادق گوهرین و دیگری از محمدجواد مشکور.

دیوان قصاید و غزلیات نیز در دو ویرایش موجود است یکی از سعید نفیسی و دیگری از تقی تفضلی.

تذکره‌الاولیا را نیز اول بار نیکلسون تصحیح نمود و تصحیح‌های دیگری از محمد قزوینی و دکتر استعلامی نیز وجود دارد.

درباره‌ی کتاب تذکره‌الاولیا

اثر مشهور عطار کتاب تذکره‌الاولیا اوست که از کتب مشهور پارسی و از جمله‌ی مآخذ معتبر در شرح احوال و گفتارهای مشایخ صوفیه است. در این کتاب سرگذشت نود و شش تن از اولیاء و مشایخ با ذکر مقامات و مناقب و مکارم اخلاق و نصایح و مواعظ و سخنان حکمت‌آمیز آنان آمده است. شیوه‌ی نگارش این کتاب بر همان منوال است که در آثار منظوم عطار می‌بینیم یعنی نثر آن ساده و دور از تکلف و مقرون به فصاحت طبیعی کلام پارسی است و تألیف آن باید در پایان قرن ششم یا اوایل قرن هفتم صورت گرفته باشد (صفا، ۱۳۸۴، ص ۳۲۴).

عطار در کتاب خود، آن چه را که در کتاب‌های دیگر در مورد عارفان نامی خوانده است کنار هم قرار می‌دهد و برای هر عارف نامی فصلی در سرگذشت و احوال و اقوال و کرامات می‌نویسد و با ذکر حالات و سخنان چهره‌ای نورانی از آن‌ها پیش چشم خواننده می‌آورد.

متن اصلی تذکره‌الاولیا هفتاد و دو بخش است و در دست‌نویس‌هایی که پس از قرن نهم هجری نوشته شده است باب‌های دیگری هم به عنوان «ذکر متأخران از مشایخ کبار» بر آن افزوده شده است (استعلامی، ۱۳۹۰، مقدمه ص ۳۶). این بیست و پنج باب ملحق به تذکره را نویسنده‌ی ناشناسی در اواخر قرن نهم یا قرن دهم به بعد گردآورده و کوشیده است که تکمله‌ای بر تذکره‌ی عطار بیفزاید (همان، مقدمه، ص ۳۷).

مآخذ تذکره‌الاولیا

۱- طبقات الصوفیه اثر ابو عبدالرحمن محمد بن حسین سلمی نیشابوری که در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری می‌زیسته است این کتاب از قدیم‌ترین منابع تصوف اسلامی است و در تذکره‌الاولیا خاصه در نقل سخنان بسیاری از عارفان ترجمه‌ی عبارات اصل طبقات الصوفیه دیده می‌شود و می‌توان گفت که عطار بسیاری از سخنان پیران عارف را از اصل عربی طبقات الصوفیه ترجمه کرده است.

۲- حلیة الاولیا، تألیف ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی که در نیمه‌ی دوم قرن چهارم و نیمه‌ی اول قرن پنجم می‌زیسته است. در حلیة الاولیا هم روایت‌ها و سخنان بسیاری هست که ترجمه‌ی دقیق

آن‌ها را در کار عطار می‌بینیم. چون این کتاب از منابع با اهمیت تصوف اسلامی بوده بی‌گمان در روزگار عطار برای رهروان حق مرجع دست اول بوده است.

۳- صفة الصفوة، اثر ابوالفرج جمال‌الدین عبدالرحمن بن علی الجوزی که تا اواخر ششم هجری می‌زیسته و البته روایت و سخنانی که ترجمه‌ی واژه به واژه‌ی آن‌ها در تذکره پیدا شود بسیار نیست و اغلب مضمون یک روایت یا سخن مشابه در تذکره آمده است اما مواردی را هم می‌توان یافت که عبارت عطار، واژه به واژه با صفة الصفوة مطابق باشد.

۴- رساله قشیریه از ابوالقاسم عبدالکریم بین هوازن بن عبدالملک قشیری نیشابوری در قرن پنجم هم یکی از جامع‌ترین منابع شناخت عرفان و تصوف اسلامی است که بخش قابل توجهی از حالات و سخنان عارفان خاصه از ترجمه‌ی فارسی این کتاب در تذکره‌الاولیا نقل شده است.

۵- کشف المحجوب تألیف ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری که یک مرجع موضوعی است و در مواردی عبارت تذکره‌الاولیا همانند عبارات این کتاب است.

پنج کتابی که گفته شد به احتمال قریب به یقین از منابع کار عطار بوده اما این بدان معنی نیست که عطار آثار سایر نویسندگان را ندیده، نخوانده و یا اقتباسی از آنها نکرده است چرا که در روزگار وی کتاب‌هایی چون مناقب الابرار و محاسن الاخیار ابو عبدالله حسین بن نصر الکعبی معروف به ابن خمیس، کتاب اللمع ابونصر سراج، تهذیب الاسرار از عبدالملک بن ابو عثمان نیشابوری، نفحة الاسرار و لوامع الانوار علی بن جهضم همدانی، التّعرف لمذهب التصوف از ابوبکر بخارایی و شرح التّعرف از شاگرد او، ابوابراهیم و نوشته‌های دیگری به زبان فارسی و عربی در دست ارباب قلم بوده و عطار هم امکان آن را داشته که آن‌ها را به دست آورد و بخواند (استعلامی، ۱۳۹۰، مقدمه، ص ۲۸-۲۹).

فصل اول:

کلیات و تعاریف

کلیات

اصطلاحاتی از قبیل داستان، قصه، حکایت و روایت در اکثر فرهنگ‌ها و نیز در متون کهن فارسی مترادف با یکدیگر به کار رفته‌اند و اما جدا ساختن این مفاهیم از یکدیگر و ارائه‌ی تعاریف جداگانه راه را برای تقسیم‌بندی و بررسی‌های دقیق‌تر، هموار می‌سازد. تعیین جایگاه یک اثر در میان دیگر آثار ادبی می‌تواند جهت رسیدن به ساختار آثار شبیه به هم راه‌گشا باشد. برای رسیدن به ساختار حکایت‌های تذکرة‌الاولیا نیز ابتدا لازم است تعریفی از نوع داستانی این حکایت‌ها ارائه گردد.

۱-۱ داستان

«داستان اصطلاح عامی است برای روایت یا شرح و گزارش در ادبیات داستانی، عموماً داستان، نمایش تلاش و کشمکشی است میان دو نیروی متضاد و یک هدف» (میرصادقی، ۱۳۷۶، ص ۸۸)

ساختار داستان در دوره‌های مختلف، متفاوت است. در دوره‌ی معاصر نیز پس از مشروطه تأثیر فراوان داستان‌های غربی بر ادبیات ایران منجر به تفاوت سبک و ساختار داستان‌های ایرانی شد و داستان‌های مدرن جای داستان‌های سنتی را گرفت.

گروهی از پژوهشگران، قصه‌های سنتی ایران را از منظر موضوع و سبک به انواع زیر تقسیم‌بندی می‌کند:

۱- قصه‌های عاشقانه (غنایی): ویس و رامین

۲- قصه‌های عرفانی: منطق‌الطیر

۳- قصه‌های حماسی و پهلوانی: داستان‌هایی از شاهنامه

۴- رمانس: داراب‌نامه

۵- حماسه دینی: ابومسلم‌نامه

۶- قصه‌های تراژیک: رستم و سهراب

۷- قصه‌های طنز: حکایاتی از عبید زاکانی

۸- قصه‌های تعلیمی: حکایاتی از بوستان

۹- قصه‌های فلسفی: حی‌بن یقظان

- ۱۰- قصه‌های رمزی یا سمبلیک: داستان‌هایی از سهروردی
- ۱۱- داستان‌های وهمی و جادویی: حکایات جن و پری در فرهنگ عامه
- ۱۲- داستان‌های واقعی: حکایاتی از زندگی مشایخ در کتبی مانند اسرارالتوحید و تذکره الاولیا
- ۱۳ داستان‌های قرآنی: قصص الانبیاء
- ۱۴- داستان‌های تمثیلی: کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه
- ۱۵- مقامه نویسی: مقامات حمیدی، (شمیسا، ۱۳۸۶، صص ۲۲۰-۲۱۹)

۱-۲ قصه

معمولاً به آثاری که در آنها تأکید بر حوادث خارق‌العاده بیش‌تر از تحول و تکوین آدم‌ها و شخصیت‌هاست، قصه می‌گویند. حوادث، قصه‌ها را به وجود می‌آورند در واقع رکن اساسی و بنیادین آن‌ها را تشکیل می‌دهند، بی‌آن که در گسترش و بازسازی قهرمان‌ها و آدم‌های قصه، نقشی داشته باشند. (میرصادقی، ۱۳۶۶، ص ۷۱)

«قصه‌ها شکل ساده و ابتدایی دارند و ساختمان نقلی و روایتی، زبان اغلب آنها نزدیک به گفتار و محاوره عامه مردم و پر از اصطلاح‌ها و لغات و ضرب‌المثل‌های عامیانه است و ان نوع از ادبیات خلاقه اند که بیشتر جنبه ی غیرواقعی و خیالی دارند تا جنبه ی واقعی و محقق»، (همان.ص ۵۵)

به طور کلی ویژگی‌های قصه به شرح زیر است:

۱. در قصه، کمتر به فضا و محیط معنوی و اجتماعی و خصوصیت ذهنی و روانی و دنیای تأثرات درونی شخصیت‌ها توجه می‌شود. در حقیقت، در قصه‌ها قهرمان (Hero) وجود دارد و در داستان‌ها شخصیت (Character).
۲. مطلق‌گرایی: قهرمان‌های قصه یا خوبند یا بد؛ حدّ میانی وجود ندارد... قهرمان خوب و نیک سرشت با آدم‌های شرّیر می‌جنگند و همیشه نیز چیره می‌شوند.
۳. نمونه‌ی کلی: مطلق‌گرایی باعث شده است که قهرمان‌ها از انسان‌های عادی جدا شوند و به عنوان «نمونه» و «مثل» از خصلت‌های عمومی و کلی بشر، عرضه شوند.
۴. ایستایی: قهرمان‌های قصه‌ها ایستا (Static) هستند و به نتایج اعمالشان واکنش نشان نمی‌دهند. از این رو، در قصه‌ها قهرمان‌ها تحوّل نمی‌پذیرند.
۵. زمان و مکان: زمان و مکان در قصه‌ها فرضی‌اند و تصوّری.
۶. هم‌سانی قهرمان‌ها: در قصه‌ها قهرمان را نمی‌توان از نحوه‌ی مکالمه و سخن گفتنشان از همدیگر تشخیص داد.
۷. ایجاد شگفتی: گزارنده قصه‌ها سعی وافری دارد که خواننده یا شنونده را با ماجراها و حوادث